

[Afghanistan Digital Library](http://afghanistandl.nyu.edu/)

adl0365

<http://hdl.handle.net/2333.1/k6djhbhh>



This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu

رجسٹری شدہ است

نشریات شیر محمد افغان

چینیان

جزء

(۳)

تاریخ مل

(در عهد سلطنت اعلیٰ حضرت امیر امان اللہ خان غازی)

(خلد اللہ ملکہ و سلطنتہ)

طبع اول

جملہ حقوق طبع محفوظ است

مترجم سید رضا علی زاوہ

(۱۳۰۴)

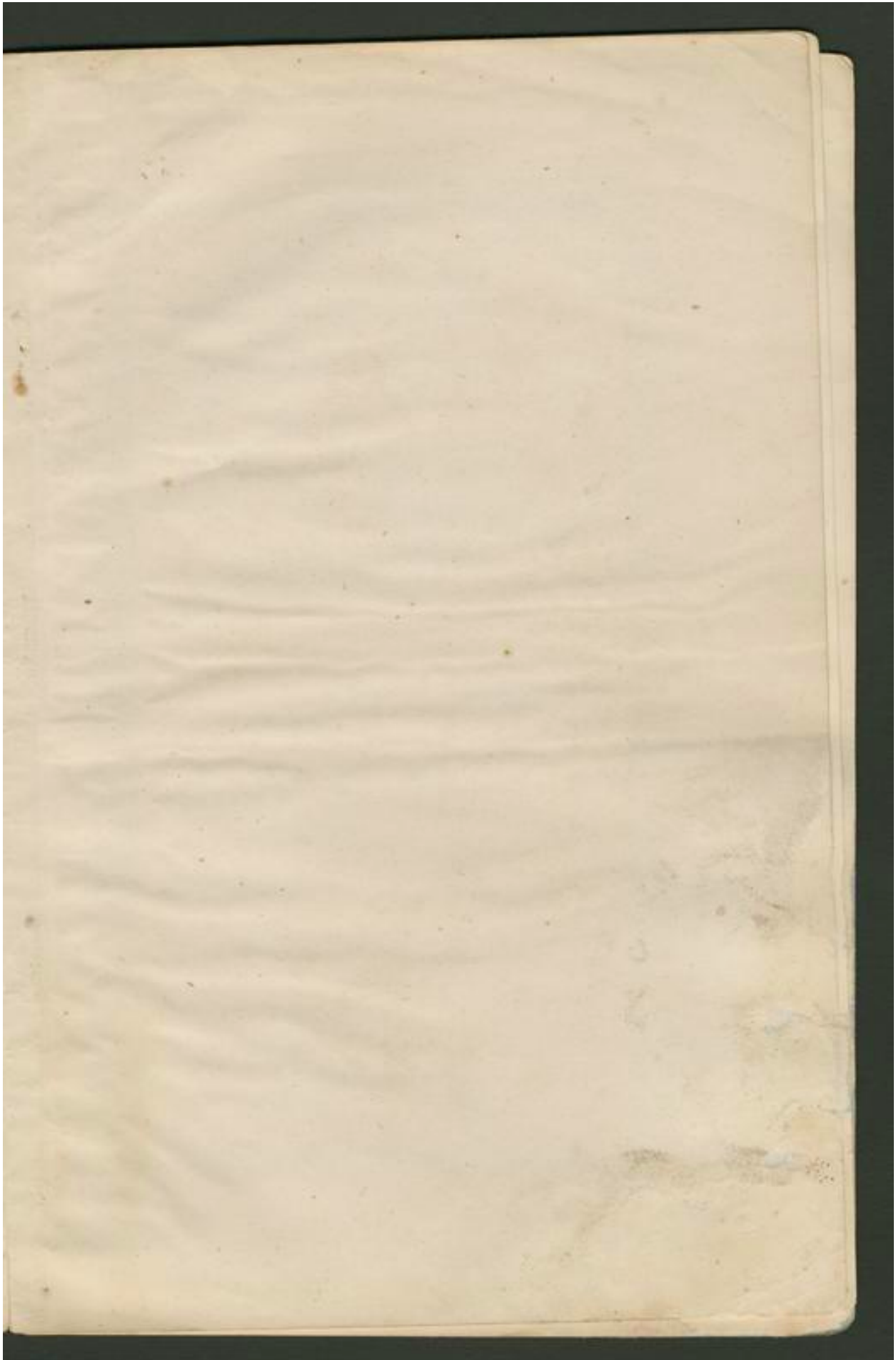
(۱۳۰۴)

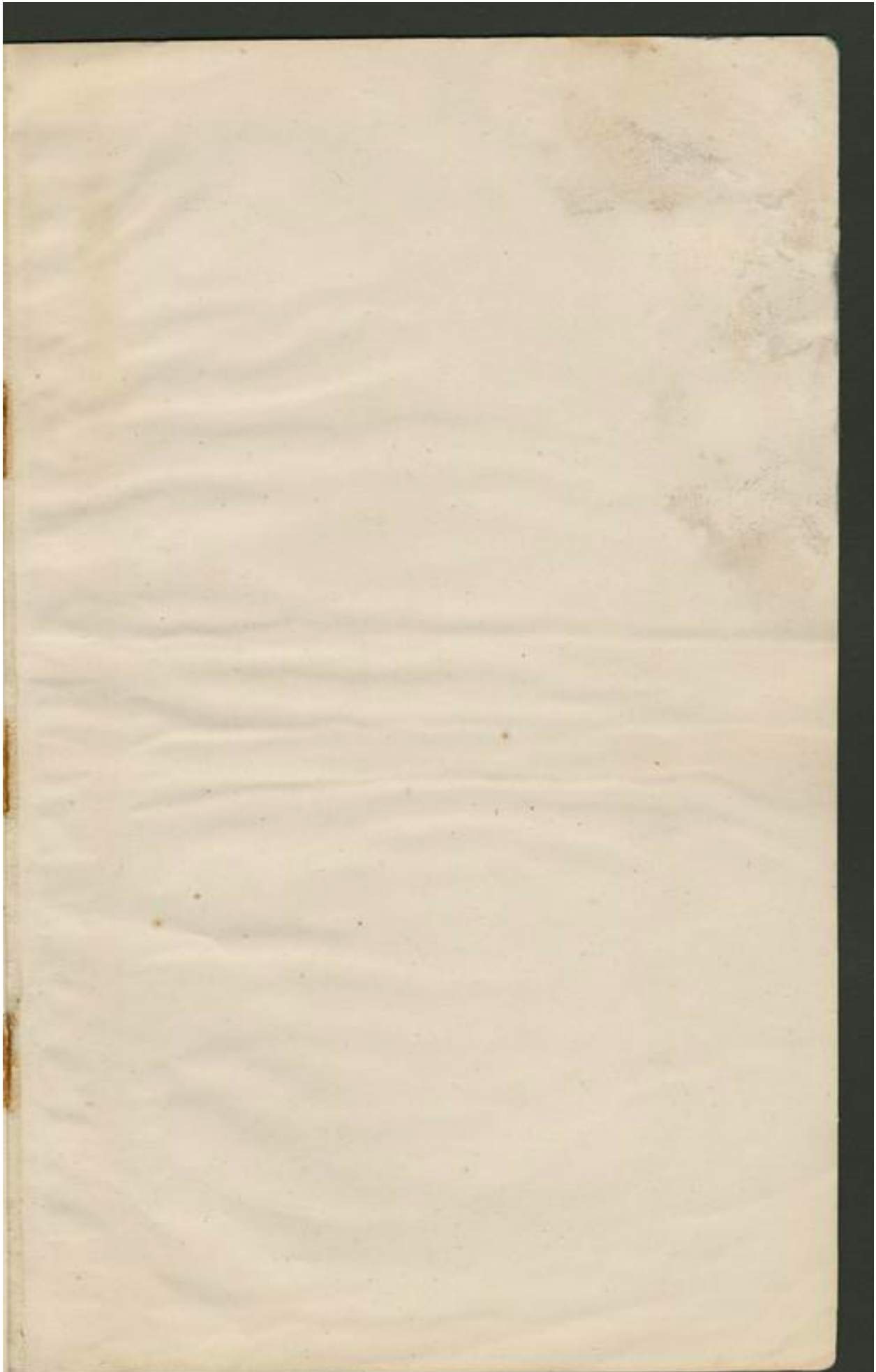
در مطبع مفید عام لاہور طبع شد

تعداد یک ہزار

۱۹۲۶ میلادی







رجسٹری شدہ است

نشریات شیر محمد افغان

چینیان

جزء

(۳)

تاریخ ملل

در عهد سلطنت اعلیحضرت امیر امان اللہ خان عازی

(خَلَدَ اللّٰهُ مُلْكَهُ وَ سَلْطَنَتَهُ)

طبع اقل

جمہ حقوق طبع محفوظ است۔

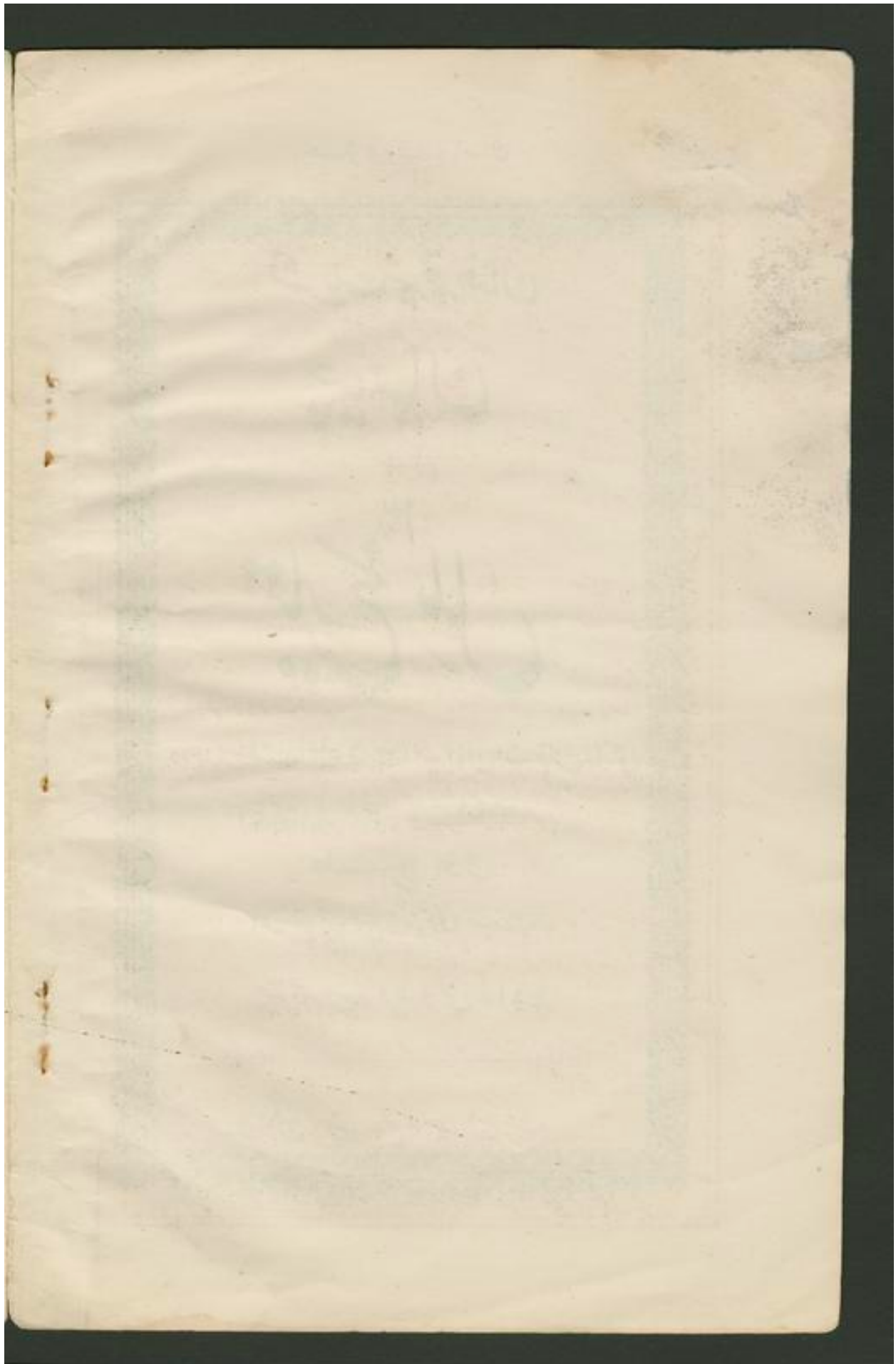
مترجم سید رضا علی زاده

۱۳۰۴ ————— ۱۳۴۴

در مطبع سفید عام لاہور طبع شد

تقدیر ایک ہزار

۱۹۲۶ میلادی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه ناشر

چون ما بخواهیم، سبب ترقی و آبادی، عزت و سعادت و برعکس علت انحطاط و خرابی، بدبختی و پیریشانی هر مملکت و ملت را بدانیم و از آنها عبرت گرفته، آن استقامت ترقی و اقبال متوسل و ازین علل انحطاط و ادبار مستغفر گردیم مطلقاً باید تاریخ همان ملت و مملکت را مطالعه نماییم.

اینک چون این (۱۴۵) جزء «تاریخ ملل» را بدقت مطالعه نمایم برآید که آن آشکارا و موهوباً خواهد شد که هر ملتی از ملل و مملکتی از ممالک دنیا برشته محکم اتفاق و اتحاد مربوط شده و بروشنائی درخشان علم و معارف روشن گردیده است روزی که روز ترقی نموده و قوت گرفته، شهرها و ولایات آباد و معمور گردیده و مسائل مدنیت از قبیل راه‌های آهن و تراموای خطوط تلفراف و تلفون، چراغ‌های برق، طب و بیماری‌ها، جہازات دریانوردی و کابریک و کارخانه‌های صنعت خود را افزوده و رسایه این دامنه تجارت و صنعت خویش را بسط داده، در نتیجه فرمانروای دیگران گردیده است.

ولی برعکس این، هر ملت و مملکتی که بشوئی نفاق خائنان سوز و اختلاف خانه براندازد چار گردیده از پر تو علم و معارف خفاش و ارچشم خود را پوشیده مدخل مملکت خویش را بجای تاسیس مدارس و مکاتب مختلفه و تنویر افکار ملت، باز دیا و نزاع‌های داخلی و توسعه ظلم و فساد صرف نموده است، ساعت بساعت بچاه ذلت فروتر رفته بورطه انقراض نزدیکتر شده و در آخر عزت و سعادت قدیمه خود را پیر و دهنده، استقلال و موجودیت خویش را از دست داده، زیر دست و فرمانبردار اجانب گردیده است.

گذشته از اینکه انسان از مطالعه تواریخ زیاده عبرت و پند حاصل می نماید، بقدر
تحصیل در یک مدرسه منتظمی کسب اطلاع و توقف هم میکند. همچون سیاحان و جهان
گردان صاحب معرفت و کمال میگردد. با تجربه ثابت است که بسا اشخاص که از
شهر خود قدیمی دور تر نبوده اند، با مطالعه تواریخ پیش از سیاحان و جهان گردان
از احوال ممالک و ملل دنیا، از طرز معیشت و زندگی، از اصول اداره و قواعد مملکت
دارائی آنها آگاهی دارند.

اینک بقصد آگاه و مطلع ساختن هموطنان گرامی امان را از احوال ممالک ملل
مختلفه عالم این (۴۵) رساله را که هر یک مخصوص باحوال جغرافی، تاریخی، سیاسی،
اقتصادی، ادبی و اخلاقی، ملت و مملکتی است از زبان روسی بغاری ترجمه گردانیده
در آخر هر یک، بعنوان «علاوه ناشر» بعضی وقایع مهمی که پس از نشر و طبع این
رساله ابوقریح آمده است از طرف خود علاوه کردیم.

امید دارم که درین زمان با سعادت علیحضرت معارف پرور هموطنان گرامی
مان این رساله را مطالعه نموده و فرزندان وطن مقدس مان آنها را در کتاب قرأت
کوده، مستفید و بهرور گردانند. و چنانکه عرض نمودم، از مطالعه و خواندن این رساله با
از اسباب ترقی و عزت و علل انحطاط و ذلت ممالک و ملل مختلفه عالم مطلع شد
بآنها متوسل و از این با منفرد گردانند. تا اینکه امتثال و اعتبار نمودن بآن همه
وسایل ترقی و تمدن و اسباب عزت و سعادت که عمده ترین آنها اتفاق،
علم و صنعت است و دین مبین اسلام هم بیش از همه بدین سه چیز تأکید و
توصیه می فرماید. ملت نجیبه ما افغانیان و وطن مقدس مان افغانستان در
اندک زمان شاید اصلاحات و ترقی را در آغوش بگیرد. انشاء الله تعالی

جمل ستم خواب جهالت ستم
زین دو ستم خانه مان است خراب

چینیان

چینیان در آسیای شرقی سکونت نموده، مملکت خود را
«دولت وسطی» مینامند. در واقع چین تقریباً در وسط
زمین - در میانه امریقا و آفریقا واقع است

این مملکت از هر طرف با کوههای بلند و تپه های
مرتفع احاطه شده، گویا که دنیای جداگانه ای را تشکیل می
دهند.

چین به مساحت سطحیه و مقدار نفوس با یک قطعه دنیا
آفریقا برابر بوده، از چندین ولایات بزرگ متشکل است
این ولایات چین بر یک همچون سلطنت مستقلی بوده،
طبیعت و اقلیم علیحده ای دارد.

چین اصلی فقط سه یک حصه این مملکت را اشغال

می نماید. باقی آن را ممالک گرد و پیش تشکیل می دهند.
که تابع این مملکت می باشند. چنانکه در شمال - منچوریا، در
غرب، مغولستان، ترکستان چینی و تبت از ممالک زیر
دست چین هستند.

اگرچه اهالی چین از چندین ملت های مختلفه مرکب اند.
ولی این ملت ها عصر های متعدده بایک دیگر زندگانی نموده،
فرق و تفاوت بین آنها در سائیه زندگانی بالاتفاق نشان
ناپدید گردیده است.

چین قسماً از ممالک کوهستانی مرتفعه و قسماً از زمین
های پست و نشیب عبارت می باشد. در میان رود های
پیش شماره آنها رود زرد و کبود موقع نخستین را اشغال
می نماید. این رود ها خیلی سیر آب بوده، به درازی از
بزرگترین رود های دنیا می باشند و مهم ترین راه های
تجارتی را تشکیل میدهند. بسوای رود ها، چین با راه
های سائره هم دولتمند است. در هر طرف این مملکت،

قنالمای بیشمار و بیست هزار ورست راههای امپرا-
طوری کشیده شده است.

چینیان بقوم مغول منسوب هستند. کلیتۀ چینیان
میانۀ قد، زیاده خوش اندام و محکم بوده، رنگ پوست
شان زرد. سرشان دراز رویشان گرد، استخوانهای
رخساره اشان خیلی برجسته، بینی اشان پهن و فراغ،
چشانشان کوچک، تنگ و کج، ریش شان کوسه موهای
شان درشت و سیاه می باشد، زنان چینی کوچک، باریک
و حتی آنهایی که خوراک خود را بزحمات و مشقات تحصیل
می نمایند خوش ترکیب بوده، در حرکات شان چالاک،
چست و سبک می باشند.

چین پر نعمت ترین ممالک روی زمین است. این
مملکت بفرادانی آبیاری شده، هوای گرم و نرمی دارد.
خاکش خیلی زرخیز بوده، از جهت نباتات زیاده دولتمند
است. در تمام دنیا چنین مملکت بزرگی نیست که خاکش

سر تا سر حاصل خیز باشد. خاک چین زرد رنگ بوده،
برای نشو و نمای هرگونه گیاهی مستعد می باشد.

چینیان زحمتکش که درین خاک با برکت سکونت می
نمایند، زحمت و زور خود را دریغ نداشته، هر آن چیزی
که ممکن باشد، ازین خاک حاصل برمیدارند و در عین
زمان برای پُر زوری آن بکمال جدیت کوشیده، خاک
آن را از قوه افتادن محافظ می نمایند. زمین های چین
بملکداران کوچک متعلق می باشد. ولی بسا می شود که اهل
یک خانواده، حتی اهلانی یک دهکده قطعه زمین را صاحب
می باشند که آن را بدون تقسیم، کشت و کار می کنند. هر
آنکسی که بقدر امکان از زمین حاصل نگرفته، زمین را
خالی بگذارد. بعقیده چینیان، آن کس بملت خود خیانت
کرده است. ازین رو، هرگاه زمین سه سال پی در پی
خالی و بی کشت و کار بماند، آن را از دست صاحبش گرفته،
بشخص دیگری میسپارند. اگر زمین بخوبی و بدقت زراعت

نشود، صاحب زمین بجزای بدنه گرفتار می شود که بجز
پای او چوب با مبوبق تا صدر چوب میزنند.

چینیان زارعین ماهری هستند آنها از یک مزرعه در
یک سال دو درو حاصل بر میدارند. یکی جو بات، دیگری
بقولات این قسماً از حاصل خیزی طبیعی زمین آنهاست.
ولی سبب عمده این، بدقت شیار کردن و همواره پرنور
ساختن زمین میباشد. در سایه این شیار خوب و پرورش
نیکو حاصل خیزی زمین های چین، در مدت هزار سال
نه اینکه کم شده، بلکه فوق العاده ترقی کرده است.

با وجود زیادتی نفوس، مملکت چین الهائی خود را
با آذوقه خودش پروا می نماید. حتی آذوقه اش از احتیاج
الهائی فزونی بهم میکند که او را بخارج می فروشند. در سایه
تجربه هزار ساله اسلاف شان، چینیان در کار زراعت
چنان مهارت پیدا کرده اند که همه گونه زمین را بخوبی
میشناسند زمین را چقدر و با چه پُر زور نمایند، چگونه

شیار و آبیاری کنند. در وی چه وکی بکارند، بخوبی می
دانند.

آلات و افزارهای دهبقانی، چینیان ساده است.
ولی نواقص آنها را با مهارت و تجربه خود می توانند تکمیل
کرد. چینیان با دست و پای با انگشتان فوق العاده
متحرک خویش هر لونده خاک را ریزه کرده از درون وی
هر خس و خاشاکی را بدقت برمی چینند.

چینیان با شیار و تقویه زمین اکتفا نمی کنند زیرا آنها
میدانند که هرگاه خشک سالی پدید آید، همه زحمات و
تخم های آنها برباد میرود. ازین جهت، پس از کاشتن
زمین دست خود را روی همه گذاشته، غفلت نمیورزند
بلکه بقدر امکان زمین های کاشته شده را آبیاری و پرستار
می کنند. برای آبیاری زمین ها در چین هزاران و
وسائل مختلفه موجود است - خیلی اسبابهای ساده، ماشین
و آلات های کاری حاضری باشد. ولیکن غالباً زمین ها

را بطرز ساده و دستی، چنانکه ما گلزارها و بوستان های را
آبیاری میکنم، آبیاری مینمایند.

زراعت و دهقانی در چین احترام بزرگی دارد. خود
امپرا طور اولین دهقان شمرده میشود. بموجب عادت قدیم
هر سال یکبار در بهار امپرا طور لباس دهقانی را پوشیده،
زمین میکارد. در مزرعه ای که برای امپرا طور حاضر کرده
اند، سه بار به پیش سه بار به عقب زمین را با قوبه شخم می
کنند. امپرا طور را امتثال نموده، خویشاوندان، اعضای
خانواده سلطنتی، سپس منصبداران بزرگ دولتی و در
آخر پیران محترم که بدین مراسم دعوت شده اند، همین کار
را تکرار میکنند. در همین روز این مراسم زمین کاری را
والیان هر ولایت در محل حکومت خود، اجرا میدارند.

از ثم ترین محصولات چین، جو، ارزن، گندم، برنج،
یشکر، تماکو، قفل، شاه دانه، پنبه، درخت چای، درخت
توت، درخت موم و لاک می باشد. چنانکه در رو سیه

گندم خوراک عمده است. همین طور در چین برنج خوراک
عمومی می باشد. برنج در چین موقع نخستین را اشتغال
میکند که بیشترین زمین های کارم بدین غله مشغول است.
بسوای گیاهان دشتی چینیان سبزه جات، میوه و بقولات
فخلفه را نیز بسیار کشت و کار می نمایند. در چین بسوای
همه گونه میوه و بقولات ما، یک قسم سبزیات و فاکمات
دیگر هم هست که بما معلوم نمی باشد.

از درختان میوه دار عمده لیمو، پرتقال، شفتالو در
اینجا تربیه می شود. باغهای چین عادتاً کوچک، ولی چنان
ساخته می شوند که خیلی بزرگ می نمایند. درین باغ ها
خیابانهای تنگ، تپه های کوچک، چرتنگ، حوض جویهای
متعدده موجود و در بالای جویها، مثل اینکه برای بازیچه
ساخته باشند، پلهای کوچک کشیده شده است همچنین
گلهای گوناگون بوته های پست، درختان کوچک که همه
گونه میوه ها میآورند پیدا می باشد، چینیان این گونه

درختان را خیلی دوست داشته، در تربیه آنها رت
نامه می دارند.

از آنجائی که درختان وحشی جای خیلی بسیاری را اشغال
می نمایند، ازین جهت جنگل و بیشه های چین کم کم بزرعه
های بنز و خرم تبدیل یافته. فقط بیشه های بامبوق، در
حدود قطعه های زمین در اطراف قبرستانها و مجدها بعضی
درختان بزرگ باقی مانده اند. بامبوق همچون برنج، شالی
ترین و ضرورترین گیاهان چین می باشد. این درخت
چند نوع بوده هیچ گونه پرورش و پرستاری را نمی خواهد بلکه
بسر خود بسرعت رو بهیده، گاه تا هاستاژین بلند میشود.
قسم بزرگ خانه های چین از بامبوق ساخته شده، و بیش
ترین خانه ها، بجای بام، با برگ های بامبوق پوشیده
است. میوه جوان بامبوق خوراک لذیذ چینیان میباشد
از بامبوقها بر اطراف خانه ها دیوار برپا میکنند، موبل همه

له هر سرترین سه اچین میاشه -

گونه اسبابهای خانگی و افزارهای دهقانی میسازند. همچنان
اسباهای ماهیگیری، آلاتهای موسیقی، سبدها، پیالهها،
چنگال و قاشقها، بادبیزهک کلاه، باران پوش، چق،
کاغذ و قلم درست میکنند. سرنج و بامبوق، برای چینیان
دو چیز آدل درجه میباشند زیرا اینها چینیان را سیر
میکند، میپوشانند و برای عمارت و اسباب خانههای
شان مواد لازم را میدهند.

بجای همیزم از جهت سوخت و سوز، در چین کاه، خس،
علف ریشه و برگهای خشک، و مثل اینها باقی مانده
نباتات دیگر را بکار میبرند. همه اینها را چینیان با صرف
جوی تمام استعمال کرده روزی بیش از چند مشت، صرف
نمی نمایند. هنگام زمستان آتش کردن بخاریهای خانه،
در چین رسم نیست، بلکه در وقت سردی هوا چینیان
پوستین و شلوار چرمی و یا چند جامههای پنبه دار می
پوشند. اگر چه چین از جهت ذغال سنگ خیلی دولتمند

است، ولی ذغال سنگ را درین مملکت هنوز خیلی کم
استخراج میکنند که آن هم بقدریک ترین اسلوب و اسباب
بعمل میآید.

چمن زار در چین خیلی کم است. زیرا در چین زمین
را زیاده گرامی و با قدر میدارند. آنها میگویند که زمینی که
که برای، حیوانات علف کاشته شود، در صورت، غله
و سبزه کاشتن بهای آن ده مقابل خواهد افزود. ازین
رو چینیان حیوانات خانگی بزرگ را بمثل اسب، گاو،
گاو میش خیلی کم آن را هم فقط برای کشاندن بارها و
سواری نگاه میدارند. چینیان این حیوانات را در کار
های زراعت بار و معین خویش می شمارند. ازین جهت
گوشت آنها را گاهی نمیخورند و بدقت پرستاری آنان را
می نمایند. هنگام سرما بر آنها جل می پیچند و در راه های
بد بیای آنها کفشهای خسی میپوشانند،
چینیان در طعام دقت کار نیستند ولی خیلی تمیز،

پاکیزه و مقتصد میباشند. ایشان میتوانند از پس مانده
های مختلفه که بیرون میاندازیم، غذاهای لذیذی حاضر
نمایند. خوراک مردمان ساده عمدهٔ برنج جوشانیده است
که قدری نمک زده، بی هیچ خورشی می خورند.
برین - گاه پارچهٔ ماهی نمکین و یا گوشت می
افزایند.

چینیان از لحومات گوشت خوک و مرغان خانگی را
استعمال میکنند. خوک در اینجا بمقدار کلی تربیه میشود.
مرغابیان خانگی در هر جا چندین - هزاران میتوان دید.
اینها عادتاً در تحت نظارت بچگان کوچک در رودها و
حوضها شنا میکنند. گاه بجای بچگان رسته مرغابیان
را خروسی در کنار آب ایستاده، محافظه میکند.
خروس همین که دید مرغابیان زیاده از هم متفرق و
پراکنده شدند، بنای داد فریاد کردن و بال پرزدن را
میگذارد. تا آنکه مرغابیان دوباره در نزدیکی ساحل گرد

آیند.

بسوای خوکان و مرغان خانگی، چینیان گوشت سگ،
گربه، موش، کله موش، قورباکه، بلخ، کرم پیله را نیز میخورند
در دکانهای گوشت فروشی چین گوشت سُرَخ و روغنی کله
موشها و شده قورباکه های پروانی آویزان میباشد.

مرغ اَبابیل
را گویند.

گوشت گرگان سیاه و لانه پرستوگان، طعام لذیذ
مردمان توانگر میباشد. اما لانه های پرستوک که بخوراک
با بکار میبرند. مثل لانه های پرستوک مانیت، پرستو-
کان آنجا لانه های خود را از شیر گیاهان دریائی میسازند
و چنانکه چینیان میگویند، این لانه ها خیلی لذیذ و مغذی
مباشند چینیان جمیع خوراکهای خود را سخت بریان
کرده، برای فروش آنها سیر و قارچ همراه می نمایند.

ساده سادوق

بجای چنگال آنها پاره های خوراک را از خود دوری
با چوبهای مخصوص با مَبوق میگیرند. چینیان نه اینکه
تنها میتوانند سالی دو درو محصول بردارند بلکه در پختن

طعام های گوناگون از گوشت حیوانات نیز خیلی ماهر می
باشند. آنها واسطه افزودن نسل مرغان خانگی را خوب
میدانند. چنانکه بطریق صنعتی میتوانند جوجه مرغان و
جنس های مختلفه ماهیان را به عمل آورد اینها ماهیان
را نه تنها در حوض ها بلکه در خندق ها ئیکه از باران حاصل
میشود، تربیه می نمایند. برای این آنها از جنس مخصوصی
ماهیانیکه بسرعت فوق العاده، میرویند استفاده میکنند.
چینیان، چه در خوراک و چه در آشامیدنی خیلی معتدل
و با قناعت هستند. اگر چه ایشان از برنج عرق ساخته
مینوشند، ولیکن مستی و عریده را بیچ نمیدانند. اما در
عوض این، در میان ایشان عادت مملکی زیاده، شروع
یافته است که کشیدن افیون میباشد. افیون شیره غلیظ
خشخاش است که در ممالک گرم، خصوصاً در هندوستان
کاشته میشود. این شیره را در ترکیبه همچون حب لونده
نموده، فرو میبرند. قیام شیره خشخاش را «تریاک» مینامند.

در چین بچینی گذاشته، میکشند، افیون را در صورتی
که همچون تنباکو، از روی اعتدال استعمال نمایند، چندان
مضر نیست، لیکن به این کیف انسان بزودی حرص،
پیدا کرده، در استعمال آن همه گونه تدبیر را بکار می برد.
آنگاه افیون برای انسان زیاده مملک میگردد، استعمال
کنندگان آن، تابشنگام لاغر و ناتوان شده، عقل و فهم
خود را گم میکنند. در آخر همچون مردگان، یکپارچه استخوان
خشک شده، زندگی را پدرود می نمایند. با این زهر مملک
چینیان درین زمانهای نزدیک آشنا شده بودند، ولی
استعمال آن، با وجود سخت ترین تدبیرهای حکومت،
در اندک زمان، در تمام مملکت چین انتشار گردید.
اکنون تقریباً چهار یک اهالی چین با استعمال این گیاه
گرفتار هستند. افیون را قسماً در خود چین بعمل میاورند
و قسماً انگلیسیا بعنوان تجارت از هندوستان به آنجا
نقل می نمایند.

چین - وطن درخت چای است، که هزار و پنج صد سال باز در آنجا کشت و کار می شود درخت چای خصوصاً بالای کوه ها میروید چای را یا از تخم و یا اینکه از نهال کشت و کار می نمایند. پس از کاشتن درخت چای، در سال چهارم بچیدن برگها آن شروع میکنند، ولی بعد از دوازده سال، درخت چای خشکیده، نابود می شود. چینیان از درخت چای برگها را چیده، آنها را بآب میاندازند که پژمرده نشود. نخستین و بهترین محصولات چای را در آخر / مارث / می چینند. با همراهی برگهای چای، عادتاً نوده های جوان چای را هم می چینند. این نوده ها با پتهای سبک پوشیده، محصول آنها «چای شگوفه» نامیده میشود. برگهای چای چیده شده را اولاً قدری در آفتاب خشکانیده، سپس در دیگهای چودان با آتش پستی اندکی تف میدهند که رطوبت آنها تماماً بیرون شود. بعد روی میزها پهن کرده، با دست

مطابق متن

اندکی می مالند. این وقت برگها بقیه رطوبت خود را هم
بیرون کرده، پیچیده میشوند. بعد ازین باز یکبار آنها
را در آفتاب و یا در باد خشکانیده جمع می نمایند. کلیه
پرورش درختان چای، چندین برگها و خشکانیدن آنها
وقت و صبر، زحمت و مهارت بسیاری میخواهند. اگر
اندکی غفلت ورزیده شود، چای یا سوخته، نابود میشود.
یا خشک نشده، میپوسد.

بهترین چای را دولتمندان خود چین استعمال مینمایند.
بروسیه نیز چای خوب و ۲۰مین میآید. از چین همه ساله
بمالک مختلفه مقدار بزرگ چای نقل میگردد. ولی در داخل
مملکت نیز خیلی زیاد میماند. اگرچه در خود چین چای خالص
را همگی نمینوشند. بلکه آدامان نادار بجای گیاهان دیگر را
آمیخته، استعمال می نمایند. بسا میشود که آدامان فقیر،
بجای چای، برگهای خشکیده بوی را میآشامند.
خانه های چینیان در بنا و ساختن تقریباً همگی بریک

طرز بوده، فقط در بزرگی، آرایش، بیرونی و چهارات
اندرونی ایشان از همدیگر فرق و امتیاز میدیابند. خانه
های آنها عادتاً با حیاطی احاطه شده سپس به چند صحن
های کوچک دیگر تقسیم میشود چهارات اندرونی خانه ها
خیلی ساده است. دیوار و سقف آنها را کاغذ چسبانیده
زمین آنها را غالباً سنگ فرش می نمایند. در پنجره
های خانه، بجای شیشه کاغذ های نازک ابریشمین را می
چسبانند. موبل / میز، کرسی و تخت / در خانه های آسجا
خیلی کم است و اگر باشد هم، به موبیل روسیه کمتر شباهت
دارد. خانه های شهری را چینیان از چوب و از خشت می
سازند ولی خانه های دهاتی آنها از شاخه های بافته است
که روی آن را بالای و گل میمالند.

همه مردان چین موی سر و ریش خود را میتراشند.
ولی در تپه سرشان یک بوته موی گذاشته، آن را بشکل
گیسو میبافند. پوشاک آنها عبارت است از پیراهن

رنگه فراخی و تنبان و سیبجی که آستین پیراهن شان هم
خیلی کشاد میباشد. هنگام سرما از بالای پیراهن جامه فی
و از بالای آن نیم تنه پنبه داری میپوشند. آومان توانگر همه
این لباس را از پارچه های ابریشمی و فقیران از پارچه های
نخی میدوزند. ولیکن لباس هر دو صنف هم ساده میباشد
چینیان بر سر خود کلاه پن خسی و یا عرقچین، و بیابا
شان کفشهای پاشنه کلفت می پوشند. لباس زنانه از
مردانه چندان تفاوت ندارد. زنان چین در خانه های
شان کمزول و یا جامه درازی میپوشند. اما در جشن و عید
یا لباس دراز ابریشمین در بر می کنند. زنان چین بروهای
خود سفیدی. بر خساره های شان سُرخ مالیده ابروهای
شان را بواسطه وسمه سیاه مینمایند.

در بین چینیان عادت گنده فی موجود است که پا
های زنان را بواسطه فشار خرد میکنند کعب ها
دختران را از پنج - شش سالگی بقالب انداخته، سخت

می‌بندند. ازین جهت کعب پای آنها نرویده، تمام عمر بمثل
پای بچگان در حالت کوچکی میماند. با این گونه پایا زنان
را برداشتن بار و دویدن خیلی دشوار میشود. هنگام راه
رفتن بایستی قدمهای میده برداشته دست‌ها را قدری
کشاده داشته، بدن خود را تکان بدهند. تقریباً همه زنان
خواه نخواه - این عادت را پیروی مینمایند. وگرنه تمام
عمری شوهر خواهند ماند. این عادت غریبه «فشردن پای»
در زمان خیلی قدیم در چین پیدا شده بود، ولیکن تاکنون
نه اینکه کاسته میشود، بلکه تا رفته افزون میگردد.

در چین همه مردان در جوانی خانه دار میشوند. همچنین،
دختران هم در خردسالی بشوهر میروند. بی زنا شویی را
قانون چین قدغن کرده، سخت تعقیب می‌نماید. هرگاه
مردی بسی سال رسیده زن نگرفته باشد، او را برای این
کار مجبور میکنند. چینیان هنگام عروسی، بموجب عادت
دیرینه ایشان به منجمین مراجعت کرده از طالع زن و شوهر

استفسار مینمایند که آیا آنها خوشبخت شده یک دیگرشان
را دوست خواهند داشت یا نه؟ منجمین بستارگان نگاه
کرده بعضی حسابها را بعمل آورده، جواب «بلی» و یا «نه»
را میدهند. عروسی آومان توآنکر باشکوه تشریفات مختلف
اجرا میگردد. دلی عروسی آومان پیچیده منحصر بهمین است
که جوانان را در محل های عروسی نشانیده، با ساز و نواز
کوچه های شهر را میگردانند. چون عروس را بخانه داماد
آورند. در پیش آستانه خانه آتشی افروخته، عروس را یکدم
در بالای آتش نگاه میدارند. که با عروس ارواح خبیثه.
/ دیو و پری / داخل خانه نشوند.

زنان چین آزاد نبوده، حقوق ملکیت ندارند. اینها یا
در اختیار پدر و یا شوهر بوده، بی اجازه آنها حتی نمیتوانند
از خانه بیرون شوند. زنان مردمان عوام که مجبور تحصیل
آذوقه خود هستند، بیش تر آزادی دارند. اینها بسوای
اداره کار های خانگی، بار میبرند، کرمکان پیله را تربیه

می نمایند، بچیدن برگهای چای می پردازند و با شوهران
خود هرگونه کارهای صحرایی را اجرا مینمایند. زنان دولت
مند در خانه های خود، بسوای سواد، نواختن عود و طنبور
را آموخته، تالیفات ادبای وطن را مطالعه می کنند.
شغل نخستین آنها - اداره خانه است. بزرگترین هنر
زنان تجملات و آرایش بدن میباشد. تا اینکه مقبول
شوهران خود گردند. ازین جهت آنها بیشترین قسمت
روز را بآرایش سروخط و خال روی شان میگذرانند.
در یکی از شعرها، زن چینی درباره وظائف خود نسبت
بشوهرش چنین میگوید، «اگر من زن مرغی باشم، بایستی
از دنبال او پرواز نمایم. اگر شوهرم سگ باشد، باید که
از عقب او هر جا بروم، اگر مرا با کلونخی تزویج نمایند،
مرا لازم است که در پهلوی او نشسته، بحافظه و نگهبانی
اش پردازم» به عقیده چینیان زن، بایستی فقط سایه
شوهر، عکس صدای زوج خود باشد. شوهر اختیار دارد

که به سببی، حتی بسبب پر حرفی او، زنش را طلاق داده،
او را بخانه پدر و مادرش بفرستد، حتی زنش را به شخص دیگر
به مثل کنیز بفروشد. در واقعات معلومه شوهر اختیار
دارد که زنش را بقتل رساند یا زنده بگذارد. با وجود
اینکه قانون مملکت زن را بشوهرش تابع میگرداند، چینیان
نه تنها حقوق خود را سوء استعمال نمیکنند، ازین حقوق
واسعه خویش هم چندان استفاده نمی نمایند. بر عکس بسا
میشود که زن جمیع کارها اداره میکند و شوهر تماماً
مطیع زن بوده، هر چه او بخواهد، همان را بجا میآورد.
تقریباً هیچ گاه اتفاق نمیافتد که شوهر زن خود را بزند
وضعیت و احوال زنان چین، در واقع، از وضعیت
زنان ما/ روسیه/ بدتر نیست و آنها از زنان ما بیش تر
خدمت نمیکنند.

حاکمیت پدر و مادران در چین غیر محدود است.
آنها بر حیات و ممات فرزندان خویش اختیار دارند.

بچگان بالستی مطلقاً مطیع و فرمانبردار والدین شان
باشند. یک ضرب سستی که فرزند پدر و مادرش بزند
با کشتن آنها برابر شمرده شده، بجزای قتل گرفتار می
گردد. در وفات پدر و فرزندان باید که سه سال ماتم
دار بوده لباس سیاه بپوشند و درین مدت آنان
را خوردن شراب و گوشت رفتن بحالسه عمومی ممکن
نیست.

در چین مذاهب مختلفه موجود است نصرا در
چین خیلی کم بوده، همه اش تقریباً یک میون می
باشد ولی مسلمان خیلی زیاده بوده، متجاوز به شصت
میون است باقی همه اهالی چین - مجوس و مشرک بوده،
پیرو سه مذهب می باشند، از آنها بودایی، یعنی دین،
بود - آیش از همه انتشار یافته است.

چینیان یادگارهای گذشتگان خود را و همه آثار
ایشان را زیاده احترام می نمایند. پیره مردان چین

هم مورد احترام بزرگی هستند و هر قدر که پیرتر باشند،
همانقدر احترام شان هم فزون تر میباشد. زائیده
شدن پسر، در هر عایله چینی، با شادی و سرور فوق
العاده استقبال میشود. اگرچه زائیده شدن دختر را
هم چینیان اسباب بدبختی نمی شمارند شادی فوق
العاده چینیان، هنگام زائیده شدن پسر، از آن
جهت است که پسر بموجب عادت مملکت همیشه در خانه
پدر مانده، والدین خود را هنگام پیری یاری و معاونت
می نماید. حال آنکه دختر همین که بشوهر رفت، خانه پدر
را ترک کرده، از عائله والدین همیشگی جدا میگردد.
همه شهرها و همه دیکده های چین باید مکتب داشته
و پدر و مادران بایستی فرزندان خود را بخوانانند بچگانی
که برای تحصیل معیشت مشغول اند، باید که شبها در
مکتب بخوانند. چینیان همچون ما الفبا ندارند. بلکه
برای هر چیز ایشان را حرف مخصوصی، علامت

جدا گانه فی موجود است. مقدار اشیا هر قدر باشد،
مقدار حروف هم همان قدر است. از همین جهت
است که سواد اهل چین خیلی دشوار می باشد. ولی
بچگان چین چنان هوشیار، با صبر و کوشان اند که چند
صد حروف را که برای زندگی انسان ضرور است
یاد کرده، خواندن و نوشتن آنها را بزودی می آموزند.
مردم عوام الناس چین بسواد میل و محبت بزرگی
دارند. آنها کلام مختلفه آدمیان خویش را با احترام
حفظ نموده، خانه ها و عمارات عمومی را با آنها آرایش
میدهند.

در چین مرد بیسواد را نمیتوان پیدا کرد. در آنجا
فقرترین کارگران تاریخ وطن خود را و کارهای
گذشتگان مشهور خویش را میدانند. بچگان چین از
ازشش تا ده سالگی عادتاً در خانه خود تحصیل علم می
نمایند. اشیای مرئیة محیط خود را می آموزند، بحساب

و قوانین آداب قدری آشنائی شوند. از ده سالگی شروع بکتاب رفتن را نموده، در آن جا نوشتن خواندن، حساب، تاریخ و طن، موسیقی و سرود را یاد میگیرند.

چینیان کوچک که عموماً شوخ و شاد هستند، در مکتب خیلی آرام، باتمکین و خیلی جدی میباشند. این با در هیچ صورت نظامات مکتبی را خراب نکرده، در سهامی خود را دایم بدقت تمام حاضری نمایند. خیلی زیرک و هوشیار، بی اندازه زحمت کش و فرمانبردار هستند. اینها هیچ گاه در مکتب با آواز بلند خنده نمی کنند، شوخی نمی نمایند، با همدیگر نزاع و بدگویی نمیورزند و رفیق خود را بخشم و قهر نمی آورند. هرگاه جوانان چین تحصیل مکتب را تمام کردند، والدین شان بشرف آنها، طوی و جشن برپا نموده بصاحب طوی با شکوه و طنطنه کلاهی می بخشد که علامت بالغ

گردیدن جوان است . پس ازین جوان حق خواهد داشت
که خود را بالغ شمارد .

چینیان در امانتکاری ممتاز بوده ، خیلی خوش
التفات پرمیزگار و خیرخواه می باشند هیچ اتفاقی نیفتاده
که چینیان پول امانت کسی را تلف نموده ، و یا تنگ
زده باشند . مسافری که اندک زبان چینی را بداند ،
بآزادی و آسودگی میتواند بهر نقطه چین مسافرت کند .
سیاحانی که در چین گشت و گذار نموده اند ، در هیچ
جای از اهالی چین درشتی و حقارت ندیده اند . ادب
لطف خوش در چین ، چه در میان توانگران و عرفا و
چه در بین فقیران و عوام ، زیاده انتشار یافته است .
ادب صفت مخصوصی چینیان می باشند . اگر بخانه
چینیان داخل شوید ، تا شما ننشینید صاحب خانه نخواهد
نشست . هرگاه شما برخیزید ، صاحب خانه هم در حال
برمی خیزد و ما دمی که شما ایستاده باشید ، او نیز خواهد

ایستاد.

چینیانیکه بهمدیگر تماماً بیگانه هستند، همین که بجاری
گذاشته شدند، بزودی بهمدیگر خوگر گرفته، همچون برادران،
یکدیگر را یاری میدهند. استهزا، ریشخند، جنگ، نزاع،
فحش، دشنام گاهی در میان ایشان شنیده نخواهد شد.
مسافری که شاید واقعه بوده، نقل می نماید که در کوچه
تنگی بیکبار عرابه های بسیاری که همگی بار داشتند، در
یکجا توده شدند. بسبب تنگی راه از پهلوی یکدیگر رو
شدن آنها خیلی دشوار بود. مسافر یقین داشته که در
اینجا کار بدون داد و فریاد، فحش و دشنام، حتی بی
زد و خورد با انجام نخواهد رسید. حال آنکه عرابه کشان
بکمال ادب با یکدیگر بهتمام مهربانی و داغ نموده، رد شدند
ادب و تمکین را چینیان منبع جمیع فضائل می‌شمارند
در چین از برای زندگی هرکس روشن ترین و مفصل ترین
قانونها موجود است که آنها را همه الهی بسختی تمام مراعات

می نمایند. هر چینی معین میداند که خود را چگونه اداره نماید، در خانه، در همای، در کوچه، در معبد، در مجالس عمومی چه بکند و چه بگوید. هنگام ملاقات با که چند بار تنظیم باید کرد. سر خود را چگونه خم باید نمود حتی چگونه بتسم باید کرد. چینیان همه این آداب را از خردسالی در خانه و در دبستان / مکتب / می آموزند.

سوداگران چین خود را در نهایت درجه جدی و با وقار میدارند آنها بیباقت و شان خود را بخوبی نگاه داشته، گاهی خریداران را نزد خود نمیخوانند. و از دنبال آنها نمیکردند. هرگاه شما بدگانی داخل بشوید. صاحب دکان خود را چنان و امینماید که تلفت نیست و شما هیچ گونه التفاتی نکرده، بی پروا با باد بیزک خود را با زده، کتاب میخوانند. شما میتوانید در دکان گردش کرده، مالها را تماشا نمایید. صاحب دکان بشما کاری ندارد. ولی همین که شما چیزی را بدست گرفتید، او

بکمال دقت بشما نگاه میکند. در آخر شما بهای آن چیز را می‌پرسید آنگاه او از جای خود برخاسته، بآرامی و استعنا می‌آید و بکمال ادب و نزاکت بشما جواب می‌دهد. لیکن گاهی مال خود را تحریف و مدح نمی‌کند و برای خریدن شما تشویق و تحریص نمی‌نماید.

یکی از بزرگترین منابع ثروت ملیّه در چین، استحصال ابریشم خام میباشد. پرورش کر مکان پیله و پیشه تحصیل ابریشم، از زمان خیلی قدیم در چین موجود است. چینیان نقل می‌نمایند که پرورش کر مکان پیله را چندین هزار سال پیش یکی از ملکه‌های چین اختراع نموده، بملکت خویش آموخته بود این ملکه را هنوز الهائی چین یاد آوری نموده، بنام او معبد یا ساخته اند که در آنها قربانی اجرا میکنند. چنانکه پادشاه چین از جهت تشویق و هتقانی، هر سال در بهار مراسم زمین کاری را اجرا میدارد، همان طور

هم ملکه حامی ابریشم کاری شمرده شده، هر سال در
جشن ابریشم اشتراک میکند. . . . در روز معهود، ملکه
بکمال جلال بیاد اخترعه ابریشم کاری قربانی جرا نموده،
سپش محض تشویق الهی، بدست خود از درخت توت
برگی چند کنده آنها را بکر مکان پیله میخورانند. اگر چه
کرک داری دیر باز است که از مملکت چین بمالک
مختلفه بسیاری منتشر شده است، ولی ابریشم همچون
چای، تاکنون بچین منحصر بوده، مهم ترین مال تجارت
چین را تشکیل میدهد.

چینیان فوق العاده زحمت کش و خوش ذهن،
هنوز چند هزار سال پیش، در هنر و صنعت های مختلفه
نهایت کمال را رسیده بودند. در بیش ترین مصنوعات
چینیان هنوز هم میتوانند با تفوق خود برآورد و پائیان
تفاخر نمایند. مثلاً در مصنوعات چینی و برنجی، در هنر
رنگسازی و رنگ ریزی، در اعمال پارچه های ابریشمی

در تربیه گلهای مصنوعی بر همه آور و پاییان برتری دارند. توش / مرکب خشک / خطای و مصنوعات لاکئی چینی - در همه دنیا بهتر شمرده میشود. صانغان چینی همچنین در کنده کاری و حکاکئی روی چوبها، سنگها و خصوصاً روی استخوان فیل خیلی مهارت دارند. پولاد چین از پولاد انگلیس بهتر شمرده میشود. چینیان همچنین میتوانند بهتر از همه از فلزات، چیزهای مختلفه بریزند و آنها را بواسطه آمیختن مواد گوناگون، بر آوازی که بخواهند، دارا نمایند. اختراع کاغذهای تحریر و قطب نما نیز مخصوص و متعلق بابل چین است. چاپ کردن کتاب را پیش از آور و پاییان بچند صد سال، در چین کشف نموده، تطبیق بکار کردن بودند، در میان مصنوعات مختلفه چین، پوریا بانی زیاده شهرت و شیوع دارد که ازینهای فراوان آنجائی بافند، برای پوریا بانی هزاران کارگر مشغول بوده،

این صنعت مهم ترین مایه صناعات چین را تشکیل
میدهد.

برای حمل و نقل آردان و بارها در شهرهای چین،
محمل های موجود است که همچون عرابه و قایقونهای ما،
در همه کوچه های شهر ایستاده اند. این محملها فوق العاده
تمیز و پاکیزه بوده، آنها را همه کس میتوانستند بمزد اندکی
کرایه نماید. هر آدمی توانگر چین محملهای خصوصی و چند نفر
نوکری دارد که آقای خود را در آن ها سوار کرده، به
طرف میبرند. ولی از برای تشریفات عروسی محملهای
مخصوصی موجود است که تماماً زرکاری بوده با پرده
های ابریشمین آرایش یافته است. محل را عادتاً دو نفر
حمل میکنند که هر دوی اینها برابر دویده محل را بدون
تکان دادن و آرامی میبرند. چون بدون از حمام خلق
رسیدند، صدای «خبردار!» را بلند کرده، برای خود
راه میکشایند و بیچ گاه بسرعت و تندئی خود تغیر

تمیذهند.

بزرگترین تماشا گاه عمومی چینیان تیاتر می باشد.
تیاتر در میان چینیان چنان شیوع اهمیت پیدا کرده
که در هر گاه ضروریات در آمده است ، در شهر چین
حکماً چندین تیاتر بوده ، همه آنان هنگام تماشا از
آدم پر میباشند. در دورترین و کم آدم ترین دهکده
با ، پس از انجام یافتن کار های صحرایی ، تماشائی تیاتر
برپا شده ، در وی دسته . سیار ، اکتوران ، بازی مینمایند
/ اکتور مشخص و مقلد تیاتر را میگویند . تیاتر های
دماقی عادتاً در هوای کشاده روی بلندی اجرا میگردد.
گروه مردم ، تپه را احاطه نموده ، جمیع گفتار و حرکات
اکتوران را بدقت تمام تعقیب مینمایند و گاه از اندوه
آه میکشند ، گاه از شادی قاه - قاه میخندند ، گاه از
شادی و شگفت فریاد میکنند . تماشا عادتاً چند روز
پنی در پنی دوام میکند و همواره ساز و نواز موسیقی

بلند است. بسوای بازی و تماشای تیاتر چینیان را
تماشای چندی، بمثل بزم، رقص، موسیقی شعبده و
دار بازی موجود است که همه اینها را بکمال میل و
هوس تماشا مینمایند. چینیانی که فوق العاده رحمتکش بوده،
بیکاری را بیچ نمیدانند، هنگام این تماشا نمیتوانند خود داری
نمایند و برای تماشای مذکور ساعتی تمام حاضر میشوند.

لشکر چین از دو گروه علیحده فی عبارت است.
یکی لشکر منجوریا و دیگری لشکر چین، لشکر اولی فقط
از اهالی منجوریا که دیر باز چینیان استیلا نموده اند،
تشکیل مییابد. بر تخت منجوریا چینیان یک نفر از
خودشان را نشانیده بودند که مؤسس خانواده سلطنت
کنونی چین گردید. ازین جهت است که لشکر منجوریا،
قوه عمده جنگی شمرده شده، شهرها و همه استحکامات و
قلعه های مهمه را اشغال مینماید قسم دوم لشکر از خود
چینیان متشکل بوده، شماره اینها بقدر ششصد هزار

میباشد این لشکر در تمام چین پراکنده بوده، در خانه های خصوصی خود زندگی نموده، میشت شان را خودشان تحصیل میکنند. چه این و چه آن لشکر براق خوب ندارد، مشق عسکری را خوب نمیدانند و میتوان گفت که برای جنگ کار آمد نیستند. چنانکه این حال، در جنگ چین و ژاپون ثابت گردیده بود که لشکریان ژاپون که بطرز آور و پائی آموخته و مسلح میباشند، در کمترین زمان تقریباً تمام چین را استیلا نمودند. حال آنکه در تمام این جنگ تلفات ژاپونیان بدو هزار نرسیده بود.

چین پر نفوس ترین دولتهای دنیاست. شماره اهالی چین بقدر چهار صد ملیون میباشد. سیاحانی که نقاط بعیده چین را سیر نموده اند، از سیر آدمی این مملکت بهیچ مبهوت اند، از وحام جمعیت در چین بهیچون گروه بیشمار مورچگان است که در لانه بزرگی

گرد آمده باشند.

قطعه های مختلفه چین در میان خود تجارت متمرکز
نی دارند. در راه های پرشماره این مملکت همواره قافله
مالهای سوداگری آمد و شد مینمایند. در نهر و قنا لها
هزاران کشتیهای مختلفه در کشت و گذاراند که اینها
یا آدم میبرند و یا مال های مختلفه نقل میکنند و در یکی
کشتیها را بار کرده و در جای دیگر آنها را خالی می
نمایند. کارگران چین که در ظاهر ناتوان و بے غیرت
مینمایند. در قوت چالاک، غیرت از مردمان ما/روسیه/
کمتر نیستند، اینها نه تنها بار های سنگین را میتوانند
بآسانی بردارند، بلکه بار های خیلی سنگین را بر پشت
خود گرفته، از کوههای بلند عبور میکنند و صد ها ورت
می پیایند. عمده تجارت چینیان با ملتهای دیگر عبارت
از چای و ابریشم میباشد. مناسبات روسیه با چین
دو صد سال پیش شروع شده، بتدریج محکم تر

میگرد. معاملات چینیان نسبت بروسیها خیلی دوتانه
بوده، ولی بملتهای دیگر آوروپا بچشم دشمنی و نا باوری
مینگرند. حدود حاضره روسیه با چین، بمسافت هفت
هزار و پانصد ورست امتداد مییابد.

در چین شهرهای بسیاری موجود بوده، در میان
آنها شهرهای مهم هم بسیار است. ولی همه این شهرها
بهمدیگر زیاده مانند میباشند. در میان شهرهای چین
موقع نخستین را پکیمن میگیرد. این شهر پای تخت
دولت چین بوده، بقدر یک میلیون اهالی دارد. شهر
های دیگر آن: نانکین، کانتون، خا نکاؤ میباشد که از
جهت فروقی نفوس و زیادی تجارتش اهمیت بزرگی دارد
بسوای چین اصلی بهیشت ایپراطوری آن مملکت
های ذیل هم داخل میباشد

مانچوریا - در شمال چین، در حدود روسیه واقع
بوده، مملکت کوهسار و جنگل زاری میباشد. جنگلهای

مانجوریا از همه گونه جانواران درنده، بمثل خرس، گرگ، گراز، روباه، گوزن، ببر، پلنگ، یوز و غیره پر است. نفوس مانجوریا بقدر دوازده میلیون بوده بقوم مغول منسوب اند. اهالی این مملکت در زمان قدیم فقط با شکار و پرورش حیوانات مشغول بودند. ولی پس از ملحق شدن مانجوریا بچین، چینیان بسیاری بدین مملکت مهاجرت نموده، اهالی آن را بزراعت و دهقانی آموختند. اکنون تقریباً همه مانجوریان بطرز حضری زندگانی نموده عمدهٔ بزراعت جو بات اشتغال میورزند.

مغولستان - در غرب مانجوریا واقع بوده، این هم مملکت کوهساری میباشد، ولی درین مملکت اهالی بانسبه کمتر است قسمت غربی این مملکت / جونگاریا / نامیده میشود مغولستان بچندین امارات کوچک تقسیم گردیده، بدست خانها / امیرها / ی خود اداره میشود که اینها خرج محبتی / با حیوانات خانگی و وحشی / بدولت

چین می پروارند. اهالی مغولستان تقریباً سه بلیون بوده،
از نسل مغول اند که زمانه فاتحین مدّش آسیا و آورو
پای شرقی بوده اند. مغولیان بطرز بدویت زندگی نموده،
در چادر های نمّ دین گذران میکنند شغل اینها عمدتاً
چوپانی و چارپا داری بوده، رومه های گوسفند گاو، اسب،
شتر را تربیه مینمایند. خوراک مغولیان از گوشتنهای
حیوانات عبارت بوده، نه زراعت و نه صناعت
رایج نمیدانند. ضرورتین اشیا و اسباب زندگی را
از چینیان و روسها بطریق مبادله بدست میآورند.
در مغولستان شهر خیلی کم است. مشهورترین شهرهای
این مملکت اورغا که پای تخت مغولستان و مایما چین
که در مقابل شهر کاختای روس واقع شده، بروسیه
تجارت مینماید. راه تجارتی روسیه با چین بواسطه
مغولستان است که با این راه بروسیه چای و از
روسیه بچین مصنوعات مختلفه حمل و نقل میشود.

ترکستان شرقی - در غرب جنوبی مغولستان واقع
بوده قسم بزرگ این مملکت از بیابانهای سنگلاخ
و ریگ زار عبارت است - فقط سواحل رود ،
سر تا سر ، زمین های حاصلخیز است که از رود بواسطه
قنال و جویها آبیاری شده ، بخوبی کشت و کار میشود .
اهالی ترکستان چینی که در سواحل رود سکونت مینمایند
منسوب بقبیله ترک هستند - اینها بطرز مدنیّت زندگی
نموده با زراعت ، تربیه حیوانات ، صناعات و تجارت
اشتغال مینمایند . بسوای جویات در اینجا ابریشم و پنبه
نیز استحصال میشود که با بعضی مصنوعات ، بمثل قالی
و پوست چینی از جهت تجارت بارکنده کاشغرمیباشد .
تیب - این مملکت تقریباً در عین مرکز آسیا واقع
بوده ، از وادیهای مرتفعه متشکل است که اطراف آنها
را بلند ترین کوهها احاطه مینمایند . اهالی تیب بقدر پنج
ملیون بوده ، بقوم مغول منسوب اند ، شغل عمده اهالی

تثبیت چاروا داری و پرورش حیوانات می باشد.
زراعت این مملکت خیلی است بوده، فقط در وادی
های خیلی گود بعل میآید. بسبب فراوانی، حیوانات
خانگی و وحشی، درین مملکت بمقدار کلی پوستهای نیکو
و نفتر حاصل میشود که یک قسم اینها بمالاک سائره نقل
میگردد. ولی قسم بزرگ آنها برای اعمال ماهوت بکار
میرود که درین کار الهائی تثبیت خیلی ماهر هستند.

تثبیت - مملکت مقدس بود دایان شمرده میشود
درین مملکت چندین هزار معابد و کاهنان بود دانی
موجود اند. کاهن عالی / رئیس روحانی / آشاء دالای -
لاما، میباشند که / در تحت نظارت حاکمان چین / به
مملکت را اداره میکنند. برای آن حتی مقام الوهیت
را هم میدهند. شهر عمده تثبیت / لاسا / است که
اقامتگاه دالای - لاما میباشد.

علاوه تاثر

مملکت چین از فراخ ترین و سیر نفوس ترین
کشور های دنیا است چنانکه مساحت سطحی اش ده و
نیم ملیون کیلومتر مربع بوده، چهار صد و شصت
ملیون نفوس دارد. نظر به این حساب، وسعت
زمین چین از قطعه تمام آوروپا باده تر میباشد.
از جهت موقع جغرافی، سیاسی و اقتصادی مملکت
چین موقع بسی مهمی را داراست. ولی افسوس که این
مملکت بزرگ و قدیم که زمانی گواره مدنیّت و صناعت و
منبع تجارت و زراعت بوده است. در زمان حاضر بسبب
های چندی دوچار چنان ضعف شده است که نمیتواند خود
را از هجوم و تجاوز بیگانگان مدافعه نماید.
سبب عمده این انحطاط و ضعف چین، همانا

عدم روح جنگاوری و جهاد در ملت این کشور است
که این هم ناشی از تعلیمات دین و آئین ایشان
میدباشد. زیرا مذهب بودا که اغلب ملت چین
پیروی آن را دارند، بخلاف دین مبین اسلام،
مساعده جهاد و جنگ نیست. این مطلب مسلم و
معلوم صاحبان دانش و بینش است که هر قومی که
دست از جهاد کشیده، تن پروری و تنبلی ورزید، اسیر
و زبون دیگران شد و برعکس هر ملتی که جهاد و جنگا-
وری را پیشه خود ساخت، فرمانروا و حاکم مطلق دیگران
گردد. اینک ملت چین در سایه این تن پروری، نه
تنها روح جنگاوری را از دست داده، بلکه از مدنیّت
و فنون حاضره هم فرسخها دور افتاده و در کارهای
صناعتی و زراعتی بهمان آلات و ادوات چند هزار ساله
قناعت می نماید.

سبب دویم ضعف و انحطاط چین کشمکش و نزاع

های خانگی است که همواره در بین رؤسا و امرا سیایون
حکومت چین برای تغییر اصول اداره و یا ضبط حاکمیت،
بوقوع میآید. اینک عمده ترین این کشمکش های سیاسی
را مختصر ذکر مینماییم:

در چین سه هزار سال باز آورده مطلقه
دوام کرده در ۲۵۰ سال باز از پادشاهان
آن سلاله مانجوری که خود را « بوغدیخان » یعنی پسر آسمان
مینامیدند. حکمرانی داشتند و ایالات مختلفه چین در دست
خانها و امیران متعدد بود که هر یک در ایالت خود حاکم
مطلق بودند.

سال ۱۹۱۱ میلادی ملتون و آزادیخواهان چین برای
رهائی خود از فشار حاکمان نظام و برهم زدن اداره مطلقه،
بر یاست و رهبری رئیس انقلابی (سون یاتسین) شورش
نموده، در نتیجه مبارزه های شدید امپراتور را مغلوب
و بنیاد حکومت مطلقه را خراب کردند و در چین اداره

جمهوری ناسیس نموده، بریاست آن، یوآن شیقانی،
را که از اعیان و رجال حکومت قدیمه بوده، با سون
یا تسین برای پدید آوردن انقلاب متفقاً حرکت می نمود،
انتخاب کردند.

ولی ملوک الطوائف های متعدده که در نتیجه انقلاب
خود را بدون رئیس و امپراطور دیدند، برای محافظت
نفوذ خود شروع بقیام و شورش نمودند، از طرف دیگر
سون یا تسین هم از وضعیف حکومت جمهوری ناراضی
شده، بیاری فرقه، گامیندهان در شهر کانتون بنام
«جمهوریت جنوبی» حکومتی تشکیل داد با حکومت مرکزی
بنای مبارزه را گذاشت خلاصه در نتیجه کشمکش های
زیاد چین بسه قسمت عمده، یعنی بقسمت مرکزی، شمالی
و جنوبی تقسیم شده، در قسمت شمالی و مرکزی دو باره
حکومت بدست ملوک الطوائف سابق افتاده.
قسمت شمالی چین که یک حصه آن از مانچوریا عبارت

بوده، پیش از بیت سال حکومت روس و ژاپون در
آینجا دخالت کرده است، بدست جنرال (جان زولین)
ماند. این قطعه دارای معدن ذغال سنگ و منبع زراعت
بوده، حاصل گندم آن بیش از سائر نقاط است.

قسمت مرکزی که از سائر قسمت ها غنی تر و دارای
معدن ذغال سنگ و حاصل پنبه، برنج، ابریشم و چای
است و نفوذ آمریکا و انگلیس در اینجا جاری شده است.
بدست جنرال (اوپی فو) گذشت.

قسمت جنوبی چین که دارای سی میلیون نفوس و
از سائر قسمت ها فقیرتر، ولی انقلابی تر است و دولت
های خارجه نتوانسته اند. در اینجا نفوذ خود را جاری سازند
بدست سون یا تسین ماند این شخص در آور و پا و امریکا
تحصیل کرده، دوکتور و رئیس فرقه ملی و انقلابی گومندان
بود که درین او آخر در پیکین وفات یافت.

سون یا تسین به پشت گرمی فرقه «گومندان» با

مرام و شعارهای اتحاد چین تشکیل جمهوریت دیموکراسی،
اخراج سرمایه داران خارجی، لغو معاهدات قدیمه با دول
ایمپریالیسم، عقد معاهدات جدید و تشکیل اتفاقیهای
صنعتی (کسبه) مبارزه مینمود.

در اوایل سال ۱۹۲۲ میلادی جنرال (او پیفو)
و (جان - زولین) بمقابل حکومت مرکزی، یعنی
جمهوریت چین برای محو جمهوریت و اعاده حکومت
مطلقه لشکرکشی نموده، پنج - شش ماه جنگیدند. درین
میان یکی از سرداران او پیفو، با لشکر خود از او پیفو
روگردان شده، به پیکین در آمد و بفایده حکومت
مرکزی بعضی تبدلات بوقوع آورد. بعد ازین او پیفو
از طرف حکومت مرکزی شکست فاحشی خورده فرار
کرد و جان - زولین هم مغلوباً رجعت نمود.

این گاه حکومت مرکزی بوعده اجرا نمودن طلبات
سون یات سین، او را برای مذاکره به پیکین طلبید ولی

سون یا تسین پس از رفتن به پیکین، در بعضی مسائل
با حکومت موافقت نکرد و ازین رو برای مذاکره حاضر
نشد. در همین بین هم سال ۱۹۲۵ ماه آپریل مشار
ایه و ثبات کرد که بهناره او حکومت احترامات فوق
العاده اظهار نمود.

اگرچه عجله فرقه گومندان، مبارزه خود را با
حکومت مرکزی موقوف نموده است، ولی شبیهه لی
نیست که بحض فراهم آدن فرصت در حال مبارزه
خود را تجدید خواهد کرد. مگر که حکومت مرکزی به چین
طلبات فرقه مذکوره را قبول نموده، دست تجاوز و
مداخله اجنبیان را از چین کوتاه نماید.

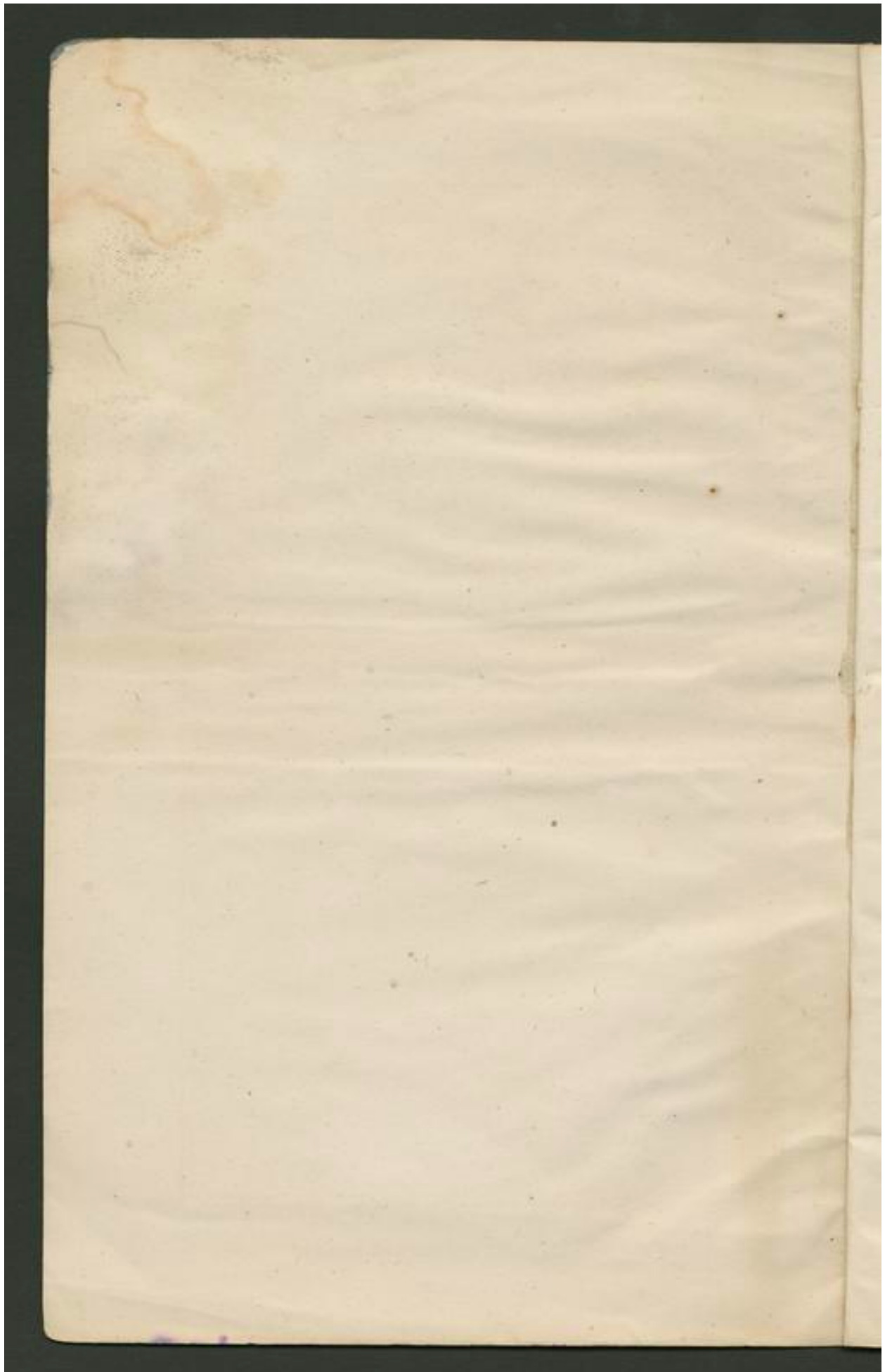
برای ضعف و انحطاط چین سبب سومی هم هست
که آن شیوع استعمال تریاک است. این زهر قاتل
چنان ریشه محکمی در چین گذاشته است که حکومت
با وجود اتخاذ نمودن تدابیر شدید، نمیتواند بر منع

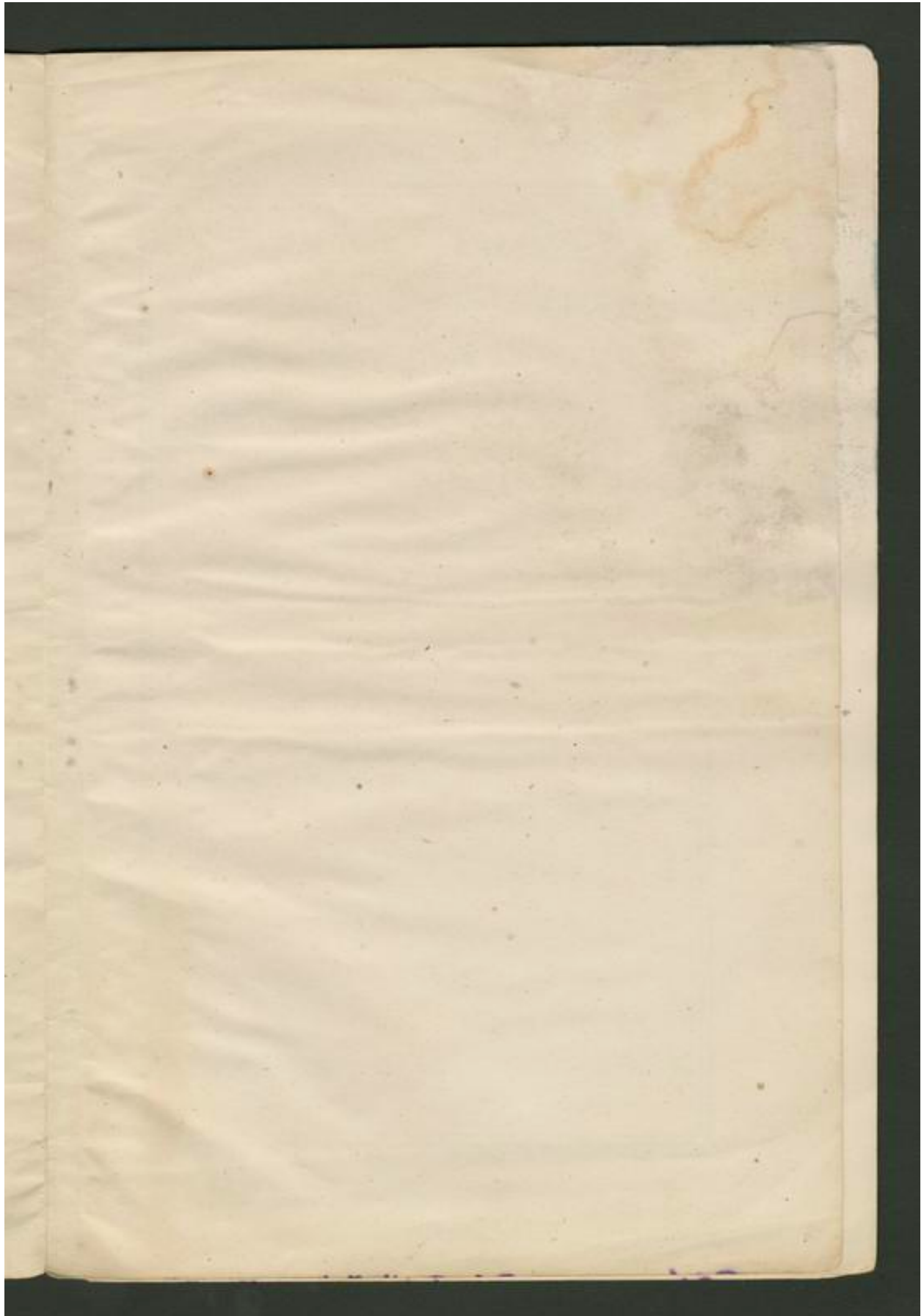
استعمال آن نائل گردد. استعمال تریاک به تناسل الهی
چین خیلی تأثیر بدی کرده است. چنانکه جغرافیون
نفوس چین را پنجاه سال پیش چهار صد و شصت
ملیون مینوشتند. حالا هم همین قدر تعیین می نمایند
حال آنکه باید در مدت این پنجاه سال نفوس چین افزای
ششصد ملیون بالغ میگردد.

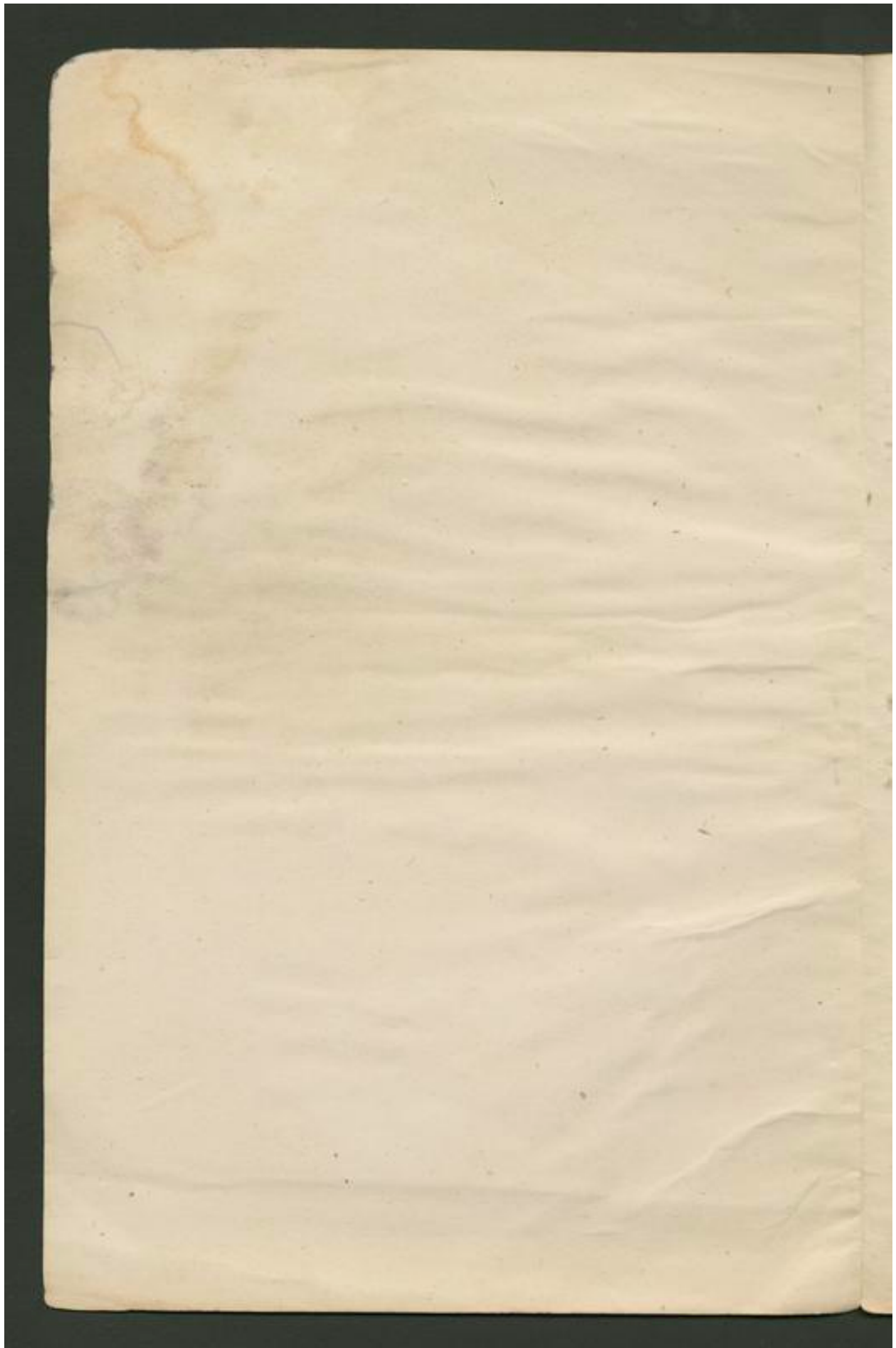
اما این را هم نباید فراموش کرد که دیر یا زود برای
پدید آمدن روح جماد در ملت چین وسیله بی پیدا خواهد
شد که آنگاه ملت چین یکباره از خواب غفلت بیدار
شده، بسرعت تمام پای بدائرة ترقی قدم خواهد گذاشت
آنگاه است که دولت های خارجه که چین را آلت
استثمار خود گردانیده اند، از خوف انتقام آن آسوده
نخواهند خوابیده. خصوصاً انتشار دین مبین اسلام
که همواره در اند دیار است و در عرض این صد سال
آخره چند ملیون چینی دین اسلام را پذیرفته اند، برای

تولید روح جهاد چینیان وسیله بزرگی میباشد در زمان
حاضر در چین بقدر هشتاد و بیون اسلام موجود است. شکی
نیست که در آینده چین یکی از مرکزهای مهمه اسلام
گردیده. در عالم اسلام خدمت های بسی درخشانی را
ایفا نماید. 









چهل و پنج جزء تاربخ مل

۲۴ سوئیان (اسویچه)	۱ ژاپونیان
۲۵ اسقاندنیادیان	۲ کوره یاعیان
۲۶ چه - مورادانان	۳ چینیان
۲۷ حبشیان	۴ فرانسویان
۲۸ هوللندیان	۵ المانیان
۲۹ سیامیان	۶ انگلیسیان
۳۰ رومانیان	۷ ایتالیان
۳۱ سامویدیان	۸ خجوه و بخارا
۳۲ امریکائیان جنوبی	۹ افغانستان
۳۳ سیگان یا (جوگیان)	۱۰ یهودیان
۳۴ هندوستان	۱۱ اسپانیان
۳۵ خور و اتیان	۱۲ تاتاران
۳۶ صربیان	۱۳ عربها
۳۷ قره طاغیان	۱۴ امریکائیان شمالی
۳۸ مالایان	۱۵ ترکان عثمانی
۳۹ روسینان	۱۶ لیبیان (لستان)
۴۰ هندیان امریکائی	۱۷ ایرانیان
۴۱ اوسترالیان	۱۸ ژرمنیان
۴۲ قرقیزان	۱۹ فینیان
۴۳ باشقروان	۲۰ بلغاریان
۴۴ ارمینیان	۲۱ یونانیان
۴۵ گرجیان	۲۲ مصریان
	۲۳ مجاریان - و اوستریا